

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 20, No. 11, Winter 2020-2021, 143-166
Doi: 10.30465/crtls.2020.31954.1925

A Review of Article "Alms-giving" in *Encyclopedia of the Quran*

Seyed Abdolrahim Hosseini*

Seyyed Mohammad Musavi Moqaddam**, Omolbanin Soleymani Baghshah***

Abstract

Leiden Encyclopedia of the Quran is the newest comprehensive research work in the West about the interpretive studies of the Quran accomplished from 2000 to 2006 by the Chief Editor, Jane Dammen McAuliffe, in the city of Leiden in the Netherland and published by Brill Publishers. The article Zakat (alms-giving) written by a researcher named Azim Nanji has been published in the first volume of the Leiden Encyclopedia of the Quran (pp. 64 - 70). The most important issues and themes that have been criticized and reviewed in the view of the authors of the article include the essence and the constitutive elements of sadaqah (charity), the ideal donation and its aspects in the view of the Holy Quran, the relationship between piety and donation, the synonymous concepts of sadaqah, the status and the aspects of sadaqah, the semantics and the conditions for the payment of zakat, and the process of formation of the institution of sadaqah and its distribution. The above-mentioned issues, while focusing on the original and valid sources in the two perspectives of unfinished, biased perceptions and presenting a different and undocumented interpretation of the teachings of the Islamic traditions, interpretation, and the clear texts of the Quran, have been critically reviewed with a look on their different aspects

Keywords: Alms-giving, Charity, Leiden Encyclopedia of the Quran.

* Associate Professor of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Farabi Campus, University of Tehran, Iran, abd.hosseini@ut.ac.ir

** Assistant Professor, Quran and Hadith Sciences Department, Faculty of Theology, College of Farabi, University of Tehran (Corresponding Author), sm.mmoqaddam@ut.ac.ir

*** MA in Quran and Hadith Sciences, Faculty of Osul Al-Din, Qom, solymaniomolbanin12@gmail.com

Date received: 2020-08-19, Date of acceptance: 2021-01-02

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماهنامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال بیستم، شماره یازدهم، بهمن ۱۳۹۹، ۱۴۵-۱۶۶

بررسی مقاله «زکات» از دایرةالمعارف قرآن لیدن

سید عبدالرحیم حسینی*

سید محمد موسوی مقدم**، ام‌البین سلیمانی باغشاه***

چکیده

دایرةالمعارف قرآن لیدن (*Encyclopedia of the Quran*) جدیدترین اثر جامع پژوهشی در غرب در حوزه مطالعات قرآنی و تفسیری است که در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ با سرویراستاری جین دمن مک‌اولیف (Jane Dammen McAuliffe) در شهر لیدن (Leiden) و در انتشارات بریل (Brill) منتشر شد. مقاله «زکات» (Alms-giving) نوشته پژوهش‌گری به نام عظیم نانجی در جلد اول دایرةالمعارف قرآن لیدن در صفحه‌های ۶۴ تا ۷۰ به چاپ رسیده است. این مقاله با وجود کوشش نویسنده ایرادهای بنیادینی دارد. مهم‌ترین مباحثی که در این مقاله مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند چیستی صدقه، ایده‌آل بخشش از نگاه قرآن، رابطه پرهیزکاری و بخشش، مفاهیم مرادف صدقه، شئون و جهات صدقه، معاشناسی زکات، و روند شکل‌گیری نهاد تولیت امر صدقه است که ضمن تأکید بر منابع اصلی از دو نظرگاه برداشت‌ها و خوانش‌های ناتمام نویسنده و ارائه تفسیری غیرمستند و متفاوت با آموزه‌های متون اسلامی و نصوص قرآنی مورد بررسی انتقادی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: زکات، صدقه، دایرةالمعارف قرآن لیدن.

* دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، پردیس فارابی دانشگاه تهران، abd.hosseini@ut.ac.ir

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات پردیس فارابی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

sm.mmoqaddam@ut.ac.ir

*** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده اصول‌الدین، قم، solymaniomolbanin12@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۳

۱. مقدمه

اخبار و روایات وارده در فضیلت و فواید صدقه بسیار است، مانند این‌که صدقه سبب زیادی رزق، شفای بیماری‌ها، دوری از آتش جهنم، دفع هفتاد بلا در دنیا، طولانی شدن عمر، و ... می‌شود (حر عاملی ۱۴۰۹ ق: ۲۵۷). حتی زکات که نوعی صدقه است از ضروریات دین دانسته شده و منکر آن از کفار شناخته شده است (خمینی ۱۴۲۵: ج ۲، ۵). نظر به اهمیت فوق‌العاده این سنت نوع‌دوستانه برای جوامع بشری (به‌گونه‌ای که دوام آن موجب نجات طبقه‌ای از جوامع انسانی می‌شود که بر اثر فقر و دست‌رسی‌نداشتن به نیازهای اولیه زندگی مدنی در معرض خطر انقراض نسل‌اند) غالب مستشرقان، به‌ویژه در دوره معاصر، نهاد صدقه را در جامعه اسلامی مدلی موفق از سنن اقتصادی دانسته و کوشش کرده‌اند در قالب کتاب‌ها و مقاله‌های دایرةالمعارفی این قانون الهی را به جوامع امروزی معرفی کنند. اگرچه گام‌های برداشته‌شده از اهمیت و جایگاه علمی و تحقیقاتی برجسته‌ای برخوردارند، اما باوجود کوشش‌های صورت‌یافته کاستی‌ها و نقص‌های جدی و غیرقابل چشم‌پوشی آشکار است؛ چراکه مستشرقان به‌لحاظ دست‌رسی‌نداشتن کافی و لازم به منابع و دست‌رسی‌نداشتن زبانی و بیانی در تفسیر نصوص دینی اسلامی از یک‌سو، و مبادرت عجولانه به برخی تحلیل‌ها و قرائت‌ها از سوی دیگر، گرفتار داوری ناتمام و بعضاً متناقض در تفسیر مفاهیم اساسی اسلامی شده‌اند. مقاله «زکات» دایرةالمعارف قرآن لیدن از مصادیق بارز این تفسیر ناتمام است، که نظر به جایگاه آن در این کاوش علمی موردنقدی قرار گرفته است.

۲. ترجمه مقاله

صدقه هدایای خیرخواهانه برای کمک به فقراست. در آموزه‌های دیگر ادیان و به‌خصوص در سنن کتاب مقدس به آن اشاره شده و قرآن نیز به‌طور مکرر به ارزش اخلاقی بخشش اشاره کرده است. هرچند واژه «صدقه» ممکن است تاحدی عمل خیرخواهانه ساده و پیش‌پافتاده‌ای را در برابر فقرا به ذهن متبادر کند، اما قرآن با استفاده از واژگان متعددی به‌خصوص صدقه و زکات درباره آن سخن گفته است؛ مفهومی بسیار باارزش و جامع که در آن مفاهیم مهربانی، عدالت اجتماعی، مشارکت، و تقویت اجتماع آورده شده است. این عمل عامل اصلاح‌کننده (تقویت‌کننده) اجتماع به‌شمار می‌رود و مزایای معنوی نیز در بر دارد. ارزش‌های معنوی و اخلاقی‌ای که در کنار مفاهیمی چون ثروت، دارایی، منابع، و

فعالیت داوطلبانه در محیطی فردی یا اجتماعی قرار می‌گیرند. واژه صدقه در زندگی مسلمانان مفهومی جامع دارد و در بطن زندگی روزمره آن‌هاست. ایده‌آل نگاه قرآنی در به‌اشتراک‌گذاشتن دارایی‌های فردی از طریق بخشش سه صورت دارد:

۱. تلاش‌های مادی و معنوی دو مقوله جدا در نظر گرفته نمی‌شوند و به‌دیگرسخن، مفاهیم اعتقادی و مذهبی در زندگی روزمره دنیوی به‌چشم می‌خورد.

۲. ماهیت، هدف، و عملکرد مسلمانان در یک جامعه اسلامی به‌منزله بهترین امت‌ها در راستای انجام اعمال نیک و مبارزه با پلیدی‌ها قرار می‌گیرد (آل عمران: ۱۱۰).

۳. جمع‌آوری دارایی و ثروت و پاسخ‌گویی درقبال نحوه افزایش آن‌ها.

این نگاه قرآنی میان دیگر دیدگاه‌های قرآنی پایه‌ای برای تعریف اسلامی بخشش و اهمیت اخلاقی آن شناخته می‌شود؛ مثل آنچه فیلسوف مسلمان، فضل‌الرحمان (۱۹۱۹-۱۹۸۸)، در توصیف مفاهیم اخلاقی اصلی قرآن بیان می‌کند، به‌طوری‌که در نظر او هدف اصلی (و نه هدف فرعی یا حاشیه‌ای) اسلام وجود نظم جهانی است که دستورات و اصول راه را برای اصلاح زمین هموار می‌کند (مفاهیم کلیدی در قرآن ۱۸۲-۱۸۳).

کلیفورد گیرتز در مقاله‌ای درباره بررسی مفهوم قرآنی «حق» در معنی واقعیت یا حقیقت به این نکته اشاره می‌کند که در آموزه‌های اسلامی واژه «حق» معادل واژه «واقعیت» آمده است (Local Knowledge 189).

عده‌ای دیگر از دانشمندان غربی فعال در حوزه تمدن اسلامی نیز از قبیل مارشال هادسن به این نکته اشاره کرده‌اند. براساس قرآن حق حاکمیت حقیقی از آن خداوند، پیامبر و جانشینان او، اعضای جامعه، یا حتی حکومتی است که به‌گونه‌ای عمل می‌کند که در آن چنین ایده‌آل‌هایی به‌ظهور می‌رسند. در چنین جوامعی افرادی وجود دارند که مورد تصدیق خداوندند و امانت‌دارانی هستند که نگرش مادی و معنوی قرآن را درمورد زندگی فردی و اجتماعی محقق می‌کنند. بنابراین، آن‌ها باید خود را درقبال راهی که مال و ثروت خود را هزینه کرده‌اند، پاسخ‌گو بدانند و آنچه آن‌ها را از نظر مذهبی شایسته می‌سازد هزینه‌کردن این ثروت در راستای منافع اجتماعی است. قرآن با توجه به توانایی‌ها و دارایی‌های متفاوت افراد بر وحدت اجتماعی تأکید می‌کند و افراد را به عدالت و بخشش توصیه می‌کند (نحل: ۹۰).

از نگاه قرآن، پرهیزکاران واقعی کسانی هستند که از دارایی‌هایشان به‌منظور کمک به دیگران استفاده می‌کنند (حدید: ۱۸) و افراد مال‌اندوز تقبیح شده‌اند (بقره: ۱۸۰).

در نظر گرفتن بخشی از ثروت برای رفع نیازمندی دیگران و هم‌چنین لزوم و ارزش بخشش در قرآن با واژه‌هایی آمده است که گاهی به جای هم به کار می‌روند و مهم‌ترین آن‌ها صدقه و زکات است. اصطلاح‌های دیگری نیز برای اشاره به مفهوم بخشش به کار رفته است. بیش‌تر از «نقّه» (خرج کردن) در جایگاه فعلی به معنای هزینه کردن مال و ثروت به منظور جلب رضایت پرودگار استفاده می‌شود (برای مثال، بنگرید به بقره: ۲۶۵). «خیر» واژه دیگری است که در قرآن به کار رفته و مفهوم احسان و بخشش داوطلبانه را می‌رساند. هم‌چنین، از افراد جامعه خواسته شده تا به خدا قرض الحسنه بدهند تا خداوند از سر بخشایندگی چند برابرش را به آن‌ها بازگرداند (بقره: ۲۴۵). از آن‌جا که مالک حقیقی خداوند است، بخشش بشر عملی برای بازگرداندن دارایی‌ها به مالک اصلی آن‌ها محسوب می‌شود.

۳. صدقه

باتوجه به این‌که واژه صدقه و صورت‌های مختلف آن در دیگر متون مذهبی و حقوقی به بخشش داوطلبانه (نه اجباری) اشاره می‌کند، زکات و صدقه در مفهومی وسیع در قرآن به کار رفته است. در واژه‌نگاری زبان عرب ریشه «صدق» مفاهیم زیادی را در بر دارد که مفاهیمی چون درستی و تقوا را با خود دارند. در آیات قرآن کلمات مشابهی چون الصدیق (به معنی صادق، یوسف: ۴۶) که برای توصیف حضرت یوسف به کار رفته است یا الصدیق (به معنی دوست مورد اطمینان، نور: ۶۱) این ویژگی ممتاز را نشان می‌دهند. امروزه نظر پژوهش‌گران فعال در حوزه نقد آن است که ریشه کلمه «صدق» از کلمه عبری «صداقا» (به معنای صدقه) است و این موجب شده تا برخی کارشناسان آن را واژه‌ای قرضی به حساب بیاورند. استفاده از واژه صدقه در موقعیت‌های مختلف در قرآن سبب شده تا مفاهیمی کلیدی از مسئله بخشش نشئت بگیرند. آیات ۵ تا ۱۰۴ سوره مبارکه «توبه» پذیرش توبه را توسط پرودگار به صدقه ارتباط می‌دهد و ارزش آن را به منزله کفاره گناهان مطرح می‌کند. در آیاتی از قرآن بر این مسئله تأکید بیش‌تری شده است و صدقه در کنار «روزه» در عوض انجام دادن وظایفی که برعهده زائر خانه خداست و به علت بیماری یا علل دیگر نتوانسته آن‌ها را انجام دهد قرار می‌گیرد (بقره: ۱۹۶).

هم‌چنین، بخشش این امتیاز معنوی را به صدقه‌دهندگان که در پی رضای خداوندند می‌دهد (بقره: ۲۷۲). چنین تلاشی به دنبال حبّ خداوند می‌آید و امکان دارد امری همگانی

یا فردی باشد (بقره: ۲۷۴). برطبق قرآن آنان که برای رضایت خدا صدقه می دهند به خواسته خود خواهند رسید (روم: ۳۹). یک کاربرد جالب صدقه همان است که در اصطلاح تفسیری (تفسیر) آیه نجوی نامیده می شود (مجادله: ۱۲) که امر می کند قبل از صحبت با پیامبر (ص) صدقه داده شود. این امر نشان می دهد که صدقه هم کفاره ای برای گناهان گذشته و ابراز احترام در نظر گرفته می شود و هم حرکتی برای تشخیص ارزش های مجسم شده به دست پیامبر (ص) است که به افراد سخی به منزله الگویی برای دیگر پیروان اسلام نگریسته می شود.

برطبق قرآن سخن هم راه با شفقت بهتر است از صدقه ای که با بی احترامی داده شود (بقره: ۲۶۳). صدقه حتماً نباید هدیه ای با ارزش مالی باشد، بلکه شامل فعالیت های داوطلبانه (توبه: ۷۹) یا کلام خوش (بقره: ۲۶۳) نیز می شود. بهتر است صدقات به صورت پنهانی و نه آشکارا با هدف جلب تمجید دیگران به فقرا داده شوند (بقره: ۲۷۱). قرآن رفتار آن دسته از افرادی را که هدفشان از بخشش تظاهر و خودنمایی است و باعث می شوند تا سخاوت مندی ایشان به منزله رفتاری ناشی از خودخواهی تعبیر شود نقد می کند (بقره: ۲۶۴).

آیه ۱۲ سوره مجادله آشکارا بیان می کند که قرآن درصدد است چهارچوبی جامع هم برای آن دسته از افراد که از عادات مرسوم در جامعه عرب آن زمان مزیت هایی نصیبشان می شده است و هم برای حمایت مالی از نیازمندان جامعه ترسیم کند. صدقه کمک به مهاجرانی که از مکه به همراه پیامبر هجرت کردند و هم چنین ابزاری تشویقی به منظور پیوستن دیگران به جامعه مسلمانان برای کمک به مسلمانان در جنگ با اهالی مکه به شمار می رفت.

آیه ۶۰ سوره مبارکه «توبه» افراد مستحق دریافت صدقه را معرفی می کند؛ نیازمندان، مساکین (عاجزان)، متصدیان جمع آوری و پخش صدقات، متمایل کردن غیرمسلمانان، آزادی بندگان، بده کاران، مسافران، و نیز فی سبیل الله. آیه ۲۷۳ سوره بقره مفهوم گسترده ای از صدقه را در بر دارد که نه تنها شامل فقرا می شود، بلکه شامل افرادی می شود که در ظاهر فقیر نیستند، اما برای ارتقای سطح زندگی خود از طریق اشتغال و تقویت وضعیت اقتصادی به صدقه نیاز دارند. هرچند یکی از جنبه های پرداخت صدقه بهبود وضعیت زندگی فقرا و نیازمندان است، باید توجه داشت که هدف جامع تری نیز وجود دارد که شامل بهبود وضعیت اقتصادی و رفاه عمومی افراد یک جامعه در حال توسعه است.

۴. زکات

به لحاظ ریشه‌شناختی زکات از واژه «زکی» به مفهوم تزکیه و خلوص مشتق شده است. قرآن به صراحت زکات را در کنار دیگر مسائل اعتقادی بنیادی آورده و به این مسئله اشاره می‌کند که پرهیزکاری فقط شامل چرخاندن صورت به چپ و راست نمی‌شود، بلکه پرهیزکار کسی است که به خدا، روز رستاخیز، فرشتگان، کتاب آسمانی، و پیامبران ایمان دارد و مال خود را با وجود علاقه‌ای که به آن دارد به خویشاوندان، یتیمان، مسکینان، مسافران (منظور در راه‌ماندگان است)، سائلان، و بردگان می‌دهد و نماز برپا می‌دارد و زکات می‌دهد (بقره: ۱۷۷).

فعل «زکی» مفهوم رشد و توسعه را در بر دارد که از طرفی، سبب پالایش فرد و دارایی او می‌شود و از طرف دیگر، با به اشتراک گذاشتن دارایی‌ها سبب بهبود وضعیت دیگر اعضای جامعه می‌شود. به طور اخص، این نوع بخشش از نگاه قرآن به باغی حاصل خیز تشبیه شده است که بارش باران‌های فراوان سبب افزایش محصول آن می‌شود (بقره: ۲۶۵).

با این نگرش زکات مورد تأکید قرار گرفته است، به طوری که در اکثر موارد از آن به منزله عملی عبادی یاد شده است. دین حقیقی و پایدار در پرستش خدا، فرمان‌برداری محض، پرهیزکاری، عبادت، و پرداخت زکات خلاصه شده است (بنی: ۵). حضرت ابراهیم و دیگر پیامبران از جمله حضرت عیسی به پیروانشان دستور پرداخت زکات را می‌دادند (مریم: ۳۱؛ انبیا: ۷۳).

از آنجایی که یکی از اهداف سنن مذهبی به طور کلی برقراری و به‌منصه‌ظهور رساندن وحدت اجتماعی است، پرداخت زکات می‌تواند یک نماد بارز از تعهد اشخاص به ارزش‌های مذهبی و اجتماعی در یک جامعه اسلامی در حال توسعه محسوب شود. در دو عید مذهبی مهم مسلمانان، عید فطر و عید قربان، که پیامبر اکرم بنیان گذارد، اهمیت مسئله زکات دوچندان شد. وجه مشترک روزه و حج با صدقه این است که هر دو سبب پالایش روحی می‌شوند.

۵. نهادینه کردن ارزش‌های قرآنی

در نهادینه کردن ارزش‌های قرآنی باید به این نکته توجه کرد که رفتار پیامبر در زمینه صدقه‌دادن، بخشش، و ایثار می‌تواند الگو قرار گیرد. گزارش‌ها در مورد صدقه‌دادن پیامبر حاکی از آن است که با این عمل پیامبر وقوع هرگونه واکنش متعصبانه افراطی را در مقابل

آموزه‌های مذهبی عقیم کرد. مثلاً، در برخی از روایات نیت و اعمال نیکو یا حتی برداشتن و رفع مانعی در مسیر عبور یا کاشتن یک درخت صدقه شناخته می‌شوند. در برخی بیانات پیامبر بر این نکته تأکید شده است که بخشش اندک از طرف فقرا با ارزش‌تر از بخشش زیاد ثروت‌مندان است. باتوجه‌به این‌که پیامبر سازکاری برای جمع‌آوری و پخش صدقات طرح‌ریزی کرده بود، می‌توان چنین برداشت کرد که ایشان در زمان خودشان در پی آن بودند که الگوی رفتاری خاصی را در جامعه نهادینه کنند. براساس آیات قرآن عده‌ای از بادیه‌نشین‌هایی که اسلام را پذیرفته بودند درمورد پرداخت اجباری مبلغی به‌منزله صدقات اعتراض می‌کردند (توبه: ۵۴-۵۹).

البخاری، گردآورنده مجموعه‌ای از روایات پیامبر از نگاه اهل سنت، گزارشی را نقل می‌کند مبنی بر این‌که پیامبر نماینده‌ای را به یمن فرستاد تا از قبایل محلی ساکن یمن که به اسلام گرویده بودند بخواهد صدقه بدهند. آن‌ها به‌دنبال وفات حضرت محمد (ص) و رهبری یکی از اصحاب نزدیک آن حضرت به‌نام ابوبکر در جامعه درحال‌رشد از پرداخت صدقه خودداری کردند، به‌علت آن‌که گمان می‌کردند که تعهدشان دیگر ملغی است. این عمل یک شورش درمقابل مرجع قدرت در مدینه، که شورشیان را سرکوب کرده و پرداخت صدقه را دوباره تحمیل کرده بود، به‌شمار می‌رفت. ابوبکر به‌صورت علنی پرداخت صدقه را اجباری کرد و وجود آن را لازمه احترام به آیین پیامبر و ادامه رفاه جامعه دانست.

در منابع شیعه هم به‌نقل از علی (ع) و چند تن از امامان بعد از او به این مسئله اشاره شده است که زکات باید به مراجع ذی‌صلاح تحویل داده می‌شد، چراکه آن‌ها صلاحیت نگه‌داری زکات و هزینه‌کردن آن را دارند. همان‌طور‌که جامعه از طریق تغییر و پیروزی توسعه می‌یافت، حاکمان مسلمان و علما به این ارزش‌ها که بقای جامعه را به‌دنبال داشتند، به‌منزله عاملی برای هدایت جامعه می‌نگریستند. با این‌که در گذر زمان جهان اسلام به‌لحاظ جغرافیایی و فرهنگی گسترش زیادی یافت، اما همان‌الگوهای اندیشه‌ورزی بسط یافتند و شکل حقوقی و علوم الهی به خود گرفتند و به شعائر اجتماعی تبدیل شدند. نگاه به جامعه اسلامی فقط از زاویه مذهبی نبود و از زاویه سیاسی، اجتماعی، و اخلاقی به جامعه نگاه می‌شد. این نگرش باعث شد تا اندیشمندان مسلمان رویکردهای مدونی را باتوجه‌به تمامی حوزه‌های زندگی بشر معرفی کنند که شامل نهادینه‌کردن روشی برای جمع‌آوری و پخش صدقه شد. با مطالعات حقوقی‌ای که نسل‌هایی از دانشمندان بعدی انجام دادند، روش‌هایی را برای جمع‌آوری و پخش صدقه تدوین کردند. نویسندگان تلاش کردند تا با معطوف‌کردن نگاه‌ها به گذشته این آموزه را جزو شعائر پیامبر و رهبران پیشین معرفی کنند.

با چنین تبیین‌های فقهی‌ای تمایزی میان صدقه به منزله عملی پسندیده و اختیاری و زکات به منزله وظیفه شکل گرفت.

صدقات باید به بیت‌المال (تشکیلاتی که خلیفه‌های پیشین تشکیل داده بودند) پرداخت می‌شد. با وجود این، دانشمندان فعال در حوزه فقه مدلی ملموس از نگاه قرآن به صدقه و توزیع آن ارائه دادند. اثر فقیه حنفی ابویوسف (وفات: ۸۰۸ م / ۱۹۲ ق) در مورد مالیات با عنوان کتاب الخراج در زمان حکومت خلیفه عباسی، هارون الرشید، نمونه آموزنده‌ای از همکاری بین فقها و حکمرانان به منظور توسعه و اختصاص شعائری چون صدقه به مثابه بخشی از فعالیت مالی در یک حکومت است. فقیهی چون شافعی (وفات: ۸۲۰ م / ۲۰۴ ق) توانست روش‌های متداول را در اثرش به صورت منطقی و نظام‌مند ارائه دهد. به طور کلی، چنین آثاری در مورد زکات و صدقه در قرآن و نیز مالکیت‌داری‌ها و پول حاصل از کشاورزی بود. آن‌ها در مورد میزان و شخصی که باید به او پرداخت شود بحث می‌کردند و همچنین به کم‌ترین مقداری که در هر گروه واجب‌الادا بود اشاره می‌کردند. نکته جالب توجه این است که صدقه شامل منابع زیرزمینی از قبیل مواد معدنی و گنج‌ها می‌شد. آنچه در این آثار به چشم می‌خورد این است که سنت صدقه‌دادن در حال تبدیل شدن به وظیفه‌ای دینی بود.

ذکر این نکته ضروری است که منابعی که سیر تکاملی چنین شعائری را نشان می‌دهند بر جنبه اخلاقی عمل تأکید کرده‌اند و ماهیت اجباری آن را به شاخصه مثبت مذهبی و به دنبال آن دریافت پاداش مرتبط می‌سازند. علاوه بر این، آن‌ها صدقه و زکات را ابزاری برای خشنودی خداوند و موجب دریافت پاداش در جهان آخرت می‌دانستند. فقها در بیان تفاوت زکات و صدقه به این نکته اشاره کردند که زکات در محدوده خاصی است و در موارد خاصی به مصرف می‌رسد، در صورتی که چنین محدودیتی برای صدقه وجود ندارد. امام شیعیان، جعفر صادق (ع) (وفات: ۱۴۸ ق / ۷۶۵ م) بر این نکته تأکید می‌کند که صدقه در راه خدا مصرف می‌شود و شامل کارهای نیک بی‌شماری می‌گردد؛ به طوری که محدوده وسیعی از کمک و دست‌گیری را شامل می‌شود و گیرنده صدقه محدود به گروه خاصی نیست و می‌توان آن را به افراد تنگ‌دست یا فقرا یا مساجد داد. فقها بیش‌تر داستان یوسف را از قرآن نقل می‌کردند و به این مسئله اشاره می‌کنند که برادران یوسف که او را نشناخته بودند از او خواستند که به خانواده‌هایشان که در تنگ‌دستی موقت قرار گرفته بودند، کمک کند. بر اساس منابع شیعه، علی بن ابی‌طالب (ع) و چند تن دیگر از امامان بر این نکته تأکید کردند که صدقه باید به مراجع ذی‌صلاح پرداخت شود. در بین شیعیان دوازده‌امامی صدقه

باید به امام یا افراد منصوب شده امام پرداخت شود و نحوه هزینه کردن آن هم باید براساس قرآن صورت گیرد. هم چنین، شیعیان عقیده دارند که در زمان غیبت باید صدقات را به نمایندگان مورد اطمینان پرداخت کرد. نقش این نمایندگان این است که باید اطمینان حاصل کنند که صدقات به دست دریافت کنندگان مستحق رسیده است. اسماعیلیه صدقه را هم یک سنت می دانند و هم عمل معنوی مهمی که در آن افراد از دارایی ها، استعدادها، و دانش خود برای کمک به امام، وارث پیامبر، و به طور کلی تمامی جامعه استفاده می کنند.

۶. شرح و نقد

۱. صدقه چیزی است که انسان از مال خود «قربة الی الله» می دهد و اعم از زکات است. این واژه از ریشه «صدق» است و علت این تسمیه آن است که بنده با آن صدق عبودیت خود را اظهار می کند (قرشی ۱۴۱۲ ق: ج ۴، ۱۱۶). از منظر اهل تحقیق از لغت «صدق» مالی است که بخشش آن به طرف مقابل واجد شرایط مقرر در شریعت باشد (مصطفوی ۱۴۳۰ ق: ج ۶، ۲۶۳).

درحقیقت، صدقه شامل هر دو نوع واجب و مستحب می شود و زکات نوعی واجب از صدقه است. موارد دیگری نیز از صدقه واجب وجود دارد؛ مثلاً، درباب «لقطه» که مالی است که انسان می یابد و صاحب آن معلوم نیست، پس از تفحص از صاحب آن و یأس از یافتن او آن را یا قیمت آن را صدقه می دهد (خمینی بی تا: ج ۳، ۳۹۹). مثال دیگر دادن صدقه، در معنی زکات، برای زمین بایری است که انسان آن را احیا کند و برخی فقها براساس روایات دادن آن را لازم می دانند (محقق داماد ۱۴۰۶ ق: ج ۱، ۲۴۵).

آیات قرآن کریم درباب صدقه چند دسته است:

الف) آیاتی که به طور مطلق سخن از صدقه گفته اند و هر دو نوع صدقه واجب و مستحب را شامل می شوند. آیه ۱۰۴ سوره مبارکه «توبه» می فرماید:

«ألم يعلموا أن الله هو يقبل التوبة عن عباده و يأخذ الصدقات و أن الله هو التواب الرحيم»

«آیا مؤمنان هنوز ندانسته اند که محققاً خداست که توبه بندگان را می پذیرد و صدقه

آن ها را قبول می فرماید و خداست که بسیار توبه پذیر و بر خلق مهربان است.»

صدق در این آیه اعم است از زکات و غیر آن (جرجانی ۱۴۰۴ ق: ۲۹۱).

ب) آیاتی که در آن ها مراد از صدقه زکات است (عاملی ۱۴۱۳ ق: ج ۲، ۳۵؛ طوسی

بی تا: ج ۵، ۲۹۱؛ طبری ۱۴۱۴: ج ۱۱، ۱۳). هم چون آیه ۱۰۳ سوره مبارکه «توبه»:

«خذ من أموالهم صدقة تطهرهم و تزكيتهم و صلّ عليهم إنّ صلواتك سكن لهم و الله سمیع عليهم»

«تو از اموال مؤمنان صدقات را دریافت دار که بدان صدقات نفوس آنها را پاک و پاکیزه می‌سازی و رشد و برکت می‌دهی و آنها را به دعای خیر یاد کن که دعای تو در حق آنان موجب تسلی خاطر آنها شود و خدا شنوا و داناست».

شأن نزول این آیه درباره گروهی است که یکی از آنها «لبابه» بود. این گروه به بهانه رسیدگی به اموال خود از رفتن به جنگ تبوک تخلف ورزیدند و به علت پشیمانی خود را به ستون‌های مسجد بستند. رسول خدا (ص) فرمودند:

«آنان را تا دستور نیابم حلال نخواهم کرد» تا آن‌که آیه ۱۱۸ سوره مبارکه «توبه» نازل شد:

«و علی الثلثة الذین خلفوا حتی إذا ضاقت عليهم الأرض بما رحبت و ضاقت عليهم أنفسهم و ظنوا أن لا ملجأ من الله إلا إليه ثم تاب عليه ليتوبوا»

و بر آن سه تن که از جنگ تبوک باز نهاده شدند (و مردم به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از آنان بریدند) تا آن‌که زمین با همه پهناوری بر آنها تنگ شد و بلکه از خود دل‌تنگ شدند و دانستند که از (غضب) خدا جز به (لطف) او ملجأ و پناهی نیست، پس خدا بر آنها باز لطف فرمود تا توبه کنند.

در این هنگام پیامبر اکرم (ص) آنها را عفو کرد. سپس، آنها اموال خود را به پیامبر اکرم دادند تا صدقه بدهد و با این صدقه پاکیزه گردند، اما ایشان امتناع فرمودند تا آیه ۱۰۳ سوره «توبه» نازل شد و ایشان هم زکات واجب را از آنها گرفت (حلی بی تا: ۲۶۵).

آیه دیگر آیه ۶۰ سوره مبارکه «توبه» است:

«إنما الصدقات للفقراء و المساکین و العاملين علیها و المؤلفة قلوبهم و فی الرقاب و الغارمین و فی سبیل الله و ابن السبیل فریضة من الله و الله علیم حکیم».

(مصرف) صدقات منحصرأً مختص است به (این هشت طایفه) فقیران و عاجزان و متصدیان اداره صدقات و کسانی که باید تألیف قلوب آنها کرد (یعنی برای متمایل کردن بیگانگان به دین اسلام)، آزادی بندگان و قرض‌داران و در راه خدا (یعنی در راه تبلیغ و ترویج دین خدا) و به‌راه‌درماندگان. این مصارف هشت‌گانه فرض و حکم خداست، که خدا دانا و بر تمام مصالح خلق آگاه است.

در این آیه نیز موارد مصرف زکات برشمرده شده است و به این قرینه لفظ «صدقات» دلالت بر زکات واجب دارد. بنابراین، مفهوم صدقه فراتر از تعریف ارائه شده نویسنده است و موارد مصرف آن نیز محدود به فقرا نیست.

۲. نویسنده سه صورت بخشش را از دیدگاه قرآن تعریف کرده است، درحالی که این سه قسیم یکدیگر نیستند و مورد اول و دوم ارتباطی به بخشش و صدقه ندارد. در مورد سوم هم مستندی ارائه نشده است. به ویژه در مورد دوم نویسنده به آیه ۱۱۰ سوره مبارکه «آل عمران» اشاره کرده است، اما این آیه اشاره به برتری امت اسلامی دارد از آن حیث که امر به معروف و نهی از منکر انجام می داده اند. آیه مبارکه از همین نظر امت اسلامی را با اهل کتاب مقایسه می کند و می گوید که اگر اهل کتاب هم این گونه بودند، برای ایشان بهتر بود. در این آیه کار خیر مقید به امر به معروف و نهی از منکر است و مقصود این است که امر به معروف و نهی از منکر از شأن امت اسلامی است (حلی بی تا: ۴۷۳). در کتب فقهی نیز این آیه در باب امر به معروف و نهی از منکر مورد استناد قرار می گیرد.

اما برای سخن نویسنده درباره موضوع جمع آوری دارایی و پاسخ گویی در قبال آن می توانیم به آیه ۱۸۰ سوره مبارکه «آل عمران» استناد کنیم که افراد بخیل را ملامت می کند که فقط به فکر مال اندوزی هستند و از مال خود با آن که مالک حقیقی آن خداست، در راه خدا انفاق نمی کنند.

۳. تعالیم و تکالیف دین مبین اسلام هم جهات معنوی زندگی انسان را در بر می گیرد و هم جهات مادی را و در بسیاری موارد مفاهیم اخلاقی و معنوی و مادی در هم تنیده است. مثلاً، از صدر اسلام مسجد از یک سو، پایگاهی برای برپایی فریضة نماز بوده است و از سوی دیگر، مکانی برای آگاهی مسلمانان از حال یکدیگر و اطلاع از نیازهای برادران دینی و رفع این نیازها. در همین باره، دین اسلام هدفی برتر از نظم جهانی، یعنی برقراری عدالت اجتماعی متصور است. در آیه ۲۵ سوره مبارکه «حدید» آمده است:

«لقد أرسلنا رسلنا بالبینات و أنزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط»

صدقه دادن نیز در راه همین هدف است و از جمله آثار آن نزدیک کردن دلها، زدودن فقر از جامعه، و ایجاد پشتوانه ای برای حکومت است. به همین علت، حتی نیت و هدف صدقه دهنده مهم است. در آیه ۲۶۴ سوره مبارکه «بقره» می فرماید:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا

يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ»:

«ای اهل ایمان صدقات خود را به سبب منت و آزار تباه نسازید، مانند آن‌که مال خود را از روی ریا (و برای جلب توجه دیگران) انفاق کند و ایمان به خدا و روز قیامت ندارد».

۴. از جمله واژه‌هایی که مفهوم بخشش دارند، واژه «انفاق» از ریشه «نفق» به معنی خروج است. انفاق به معنی اخراج مال است از آن نظر که شخص مال را با انفاق از دست خود خارج می‌کند (قرشی ۱۴۱۲ ق: ج ۷، ۹۷؛ جوهری ۱۴۱۰ ق: ج ۴، ۵۶۰؛ راغب اصفهانی ۱۴۱۰ ق: ۸۱۹). در آیه ۲۶۵ سوره مبارکه «بقره» که نویسنده به آن اشاره کرده است، می‌فرماید:

«مِثْلَ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ إِبْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيثًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمِثْلِ جَنَّةٍ بَرِيَّةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أَكْلَهَا ضَعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»:

مَثَلِ آنان که مالشان را در راه خشنودی خدا انفاق کنند و با کمال اطمینان خاطر دل به لطف خدا شاد دارند مَثَلِ بوستانی است که در زمین بلندی باشد و بر آن باران زیادی به موقع بیارد و حاصلی دوچندان (که منتظرند) دهد و اگر باران زیاد نیاید، اندک بارد (تا باز به ثمر رسد) و خدا به (کار شما) بیناست.

در آیه ۲۶۷ همین سوره می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَ مِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ»:

«ای اهل ایمان، انفاق کنید از بهترین آن‌چه اندوخته‌اید و از آن‌چه برای شما از زمین می‌رویانیم».

برخی منظور از انفاق را در این آیه زکات و برخی صدقه مستحبی دانسته‌اند، اما بیش‌تر آن را اعم از صدقه واجب و مستحب و بلکه شامل همه انواع انفاق و کارهای خیر می‌دانند. گاهی قرآن خروج مال واجب را هم با واژه انفاق بیان می‌کند. در مورد پرداخت نفقه زوجه در صورت وقوع طلاق در دوران بارداری آیه ۶ سوره مبارکه «طلاق» می‌گوید:

«وَ إِن كُنَّ أَوْلَاتٍ حَمْلٌ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ»

واژه دیگر «خیر» است. خیر در لغت به معنی چیزی است که همه به آن رغبت کنند (ابن منظور ۱۴۱۴ ق: ج ۴، ۲۶۵؛ زبیدی ۱۴۱۴ ق: ج ۶، ۳۸۱؛ قرشی ۱۴۱۲ ق: ج ۲، ۳۱۷). در آیه ۲۱۵ سوره مبارکه «بقره» آمده است:

«يَسْتَلُونَكَ مَاذَا يَنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ».

عمرو بن جموح، که پیرمردی ثروت مند بود، از پیامبر اکرم (ص) پرسید: چه چیز و به چه کسانی صدقه بدهم؟ این آیه نازل شد. این آیه هم شامل صدقه واجب می شود و هم صدقه مستحب (حلی بی تا: ۲۸۵؛ شهابی خراسانی ۱۴۱۷ ق: ج ۲، ۴۸؛ راوندی ۱۴۰۵ ق: ج ۱، ۲۴۰؛ مقدس اردبیلی بی تا: ۱۹۸). در آیات ۲۷۲ و ۲۷۳ سوره «بقره» نیز واژه «خیر» به هم راه انفاق آمده است.

واژه دیگر «قرض الحسنه» است. آیه ۱۱ سوره مبارکه «حدید» می فرماید:
«من ذا الذی یقرض الله قرضاً حسناً فیضاعفه و له اجر کریم».

روزی پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «هرکس که صدقه ای بدهد دوبرابر آن در بهشت خواهد داشت». ابوالدحداح انصاری پرسید: «ای رسول خدا، من دو باغ دارم که اگر یکی را صدقه بدهم دوبرابر آن در بهشت خواهم داشت؟» فرمود: «آری». ابوالدحداح پرسید: «ام الدحداح نیز با من خواهد بود؟» فرمود: «آری». پرسید: «آیا فرزندانم نیز با من خواهند بود؟» فرمود: «آری». سپس باغی را که بهتر بود به منزله صدقه به پیامبر اکرم (ص) داد. آن گاه این آیه نازل شد (مکارم شیرازی بی تا: ج ۲، ۲۲۴-۲۲۶).

این آیه نشان می دهد که تعبیر «قرضاً حسناً» اشاره به دادن صدقه دارد و از صدقه به منزله استقراض خداوند از بنده اش آن هم با سود فراوان یاد شده است.
واژه «اطعام» نیز در معنی صدقه دادن آمده است. در آیات ۸ و ۹ سوره مبارکه «انسان» آمده است:

«ویطعمون الطّعام علی حبّه مسکیناً و یتیماً و اسیراً، إنّما نطعمکم لوجه الله لا نرید منکم جزاء و لا شکوراً».

حضرت علی (ع) و خانواده ایشان سه روز متوالی درحالی که روز را روزه دار بودند، طعام خود را به مسکین و یتیم و اسیر دادند. در این آیه از آن چه آن ها به منزله صدقه دادند، تعبیر به اطعام شده است، چراکه طعام خود را صدقه دادند.

۷. صدقه

۵. چنانچه در توضیح معنی «صدقه» آمد، صدقه از ریشه «صدق» است و «تصدق» هم که به معنی دادن صدقه است، نشانه صدق عبودیت است. «صدقه» به معنی مهریه زن از همین ریشه است، زیرا زوج با دادن مهر صدق احترام به زن یا صدق دستور خدا را ظاهر می کند. واژه «الصّدیق» نیز، که نویسنده آورده است، به معنی «پیوسته راست گو» است،

یعنی کسی که در قول و عقیده راست است (قرشی ۱۴۱۲ ق: ج ۴، ۱۱۷). بنابراین، «الصّدیق» ارتباط معنایی با صدقه‌دادن ندارد، بلکه هم‌چون کلمات دیگر که گفته شد، در ریشه با آن مشترک است.

۶. در آیه ۱۹۶ سوره مبارکه «بقره» که نویسنده به آن استناد کرده است، می‌فرماید: «وَأَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى فَفَدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نَسْكَ ...».

«و همه اعمال حج و عمره را برای خدا به پایان برسانید و اگر ترس و منعی پیش آید، قربانی کنید به آنچه مقدور و میسر است، و سر تراشید تا آن‌گاه که قربانی شما به محل ذبح برسد. و هرکس بیمار باشد یا سردرد بر او عارض شود (سر بترشد) و از آن فدا دهد به روزه‌داشتن یا صدقه‌دادن یا کشتن گوسفند ...».

اتمام حج یعنی حج و عمره را با تمام اجزا و رعایت کیفیت آن‌ها به‌جای آورد. در صورتی که بیماری مانع ادامه حج شود، باید قربانی خود را بفرستد تا در قربان‌گاه ذبح شود و سر خود را نباید بترشد، چون تراشیدن سر لازمه محل شدن است، در حالی که تا رسیدن قربانی به محل خود نباید محل شود، مگر به علت بیماری یا علت دیگر مثل سردرد نیاز به تراشیدن سر باشد که در آن صورت سر را می‌تراشد، ولی فدیة می‌دهد. فدیة یکی از سه چیز است: سه روز روزه بگیرد، یا شش مسکین را با شرایط گفته شده طعام (صدقه) دهد، یا یک گوسفند ذبح کند (حلی بی تا: ۳۲۵). این طعام یا صدقه به مسکین صدقه‌ای واجب است، هرچند واجب تخیری است.

۷. دو آیه مورد استناد نویسنده یکی آیه ۷۹ سوره مبارکه «توبه» است و دیگری آیه ۲۶۳ سوره مبارکه «بقره» است. در آیه اول می‌فرماید:

«الَّذِينَ يَلْمُزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِي لَا يَجِدُونَ إِلَّا جَهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ».

«آن کسانی که عیب‌جویی می‌کنند بر آن مؤمنانی که صدقات مستحب فقیران را دست‌گیری می‌کنند و هم‌چنین مسخره می‌کنند مؤمنانی را که از اندک چیزی که مقدور آن‌هاست هم (در راه خدا) مضایقه می‌کنند خدا هم آن‌ها را البته مسخره و مجازات می‌کند و به آن‌ها عذابی دردناک خواهد رسید».

در آیه ۲۶۳ سوره مبارکه «بقره» آمده است:

«قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى».

«فقیر سائل را به) زبان خوش و طلب آمرزش (ردکردن) بهتر است از صدقه‌ای که پی آن آزار کنند».

این دو آیه برخلاف گفته نویسنده ارتباطی به مصادیق صدقه ندارد، بلکه در کیفیت صدقه‌دادن است. آیه اول در مذمت کسانی است که صدقه‌دهندگان را موردعیب‌جویی و تمسخر قرار می‌دهند، به‌ویژه صدقه‌دهندگانی که ثروت و مال زیادی ندارند تا صدقه بدهند. آیه دوم درباره مذمت صدقه‌دهندگانی است که صدقه آن‌ها همراه با آزار و اذیت است. بعد از آن که آیه صدقه نازل شد، مردی صدقه بسیار آورد. منافقان گفتند که چه خودنمایی می‌کند. مردی هم صدقه ناچیزی آورد، گفتند خدا چه احتیاجی به این زکات ناچیز دارد. به‌دنبال آن آیه ۷۹ سوره مبارکه «توبه» نازل شد (عاملی بی‌تا: ۴۲۸؛ قمی ۱۳۶۸: ج ۲، ۴۳۷؛ ابوالفتوح رازی ۱۴۰۸ ق: ج ۴، ۵۱).

در آیه دوم منظور از «معروف» آن است که در مقابل سائل و فقیر سخن متعارف و زبان خوش بهتر از صدقه همراه با اذیت است (قرشی ۱۴۱۲ ق: ج ۶، ۴۵). حتی ردکردن سائل باید به زبان خوش باشد، مثل آن که برای رفع نیاز او دعا کند.

۸. در آیه ۲۷۱ سوره مبارکه «بقره» آمده است:

«إِن تَبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَنِعْمًا هِيَ وَ إِن تَخْفَوْهَا وَ تَوْتَوْهَا الْفُقَرَاءُ فَهِيَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ يَكْفُرْ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ».

«اگر (به مستحقان) آشکارا صدقه دهید، کاری نیکوست، لیکن اگر پنهانی به فقیران (آبرومند) رسانید، برای شما نیکوتر است و خدا (به پاداش آن) برخی از گناهان شما را محو و مستور دارد و خداوند از (آشکارا و نهان) آن چه می‌کنید آگاه است».

شهید ثانی می‌فرماید:

صدقه پنهانی افضل است به دلیل نص کتاب و سنت، مگر آن که متهم شود به ترک صدقه که در این صورت علنی دادن افضل است، زیرا خود صدقه‌دادن امری مطلوب است، حتی برای معصوم و اگر بخواهد مردم را به این کار هدایت کند، اظهار آن افضل است (شهید ثانی ۱۴۱۰ ق: ۱۹۲).

شهید ثانی حدیثی از وسائل را به منزله دلیلی از سنت آورده است:

«صَدَقَةُ السَّرِّ تَطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ» (حرّ عاملی ۱۴۰۹ ق: ۳۹۵؛ کلینی ۱۴۰۷ ق: ۸)

حدیث ۳).

از طرفی، تعبیر «الصدقات» در این آیه جمع معرف به «ال» است و افاده عموم می‌کند و نیز بدون قید آمده است. بنابراین، به معنی مطلق انفاق است چه واجب و چه مستحب. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است:

«منظور از ”إن تبدوا الصدقات فنعما هي“ زکات واجب است، اما در ”وإن تخفوها وتؤتوها الفقراء“ منظور صدقه مستحب است» (حرّ عاملی ۱۴۰۹ ق: ۳۱۰؛ کلینی ۱۴۰۷ ق: ۸، حدیث ۳).

علامه طباطبایی در المیزان می‌فرماید:

صدقه آشکار تشویق و دعوت به کار نیک است و نیز مایه دل‌گرمی فقرا و مساکین است، اما صدقه پنهانی از آن جهت نیکوست که از منت و اذیت و نیز ریا دور است، چون صدقه‌دهنده فقیر را نمی‌شناسد که بر او منت بگذارد و نیز از آن جهت نیکوست که آبروی فقیر محفوظ می‌ماند. پس صدقه علنی نتایج بیش‌تری دارد، ولی صدقه پنهانی خالصانه‌تر انجام می‌شود. به همین دلیل آیه مذکور هردو را خوب می‌داند (طباطبایی بی تا: ج ۲، ۶۰۹).

۹. در آیه ۲۶۴ سوره مبارکه «بقره» آمده است:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ».

«ای اهل ایمان، صدقات خود را به سبب منت و آزار تباه نسازید؛ مانند آن که مال خود را از روی ریا (برای جلب توجه دیگران) انفاق کند و ایمان به خدا و روز قیامت ندارد». این آیه برخلاف آنچه نویسنده می‌گوید سخنی از خودخواهی به میان نیاورده است، بلکه منت و اذیت را باعث باطل شدن صدقه می‌داند. هم‌چنین، کسی را که با منت و اذیت صدقه می‌دهد، شبیه به کسی می‌داند که با ریاکاری صدقه می‌دهد، درحالی‌که فرد مؤمن ریا نمی‌کند.

۱۰. در آیه ۱۲ سوره مبارکه «مجادله» می‌فرماید:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ نَجْوَيْكُمْ صَدَقَةَ ذَلِكَ خَيْرَ لَكُمْ وَأَطْهَرَ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ».

ای اهل ایمان، هرگاه بخواهید با رسول سخن سری گوید (یا سؤالی کنید) پیش از این کار باید صدقه دهید که این صدقه برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است (که شما را از سؤالات بی‌جا برکنار و از بخل و لثامت پاک می‌گرداند) و اگر (از فقر) چیزی (برای صدقه) نیابید در این صورت، خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

ثروت‌مندان با پیامبر (ص) زیاد نجوا می‌کردند و این کار را نوعی امتیاز می‌دانستند و می‌خواستند خود را از خواص نزدیک به پیامبر (ص) نشان دهند. فقرا از این رفتار آن‌ها رنجیده‌خاطر شدند و به همین علت، این آیه نازل شد و دستور رسید که هرگاه خواستند با پیامبر (ص) نجوا کنند ابتدا صدقه دهند تا کینه‌ها و کدورت‌ها از بین برود (طباطبایی بی‌تا: ج ۱۹، ۳۲۸).

۱۱. آیه ۶۰ سوره مبارکه «توبه» می‌فرماید:

«إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبِهِمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ».

مصرف صدقات منحصرأً مختص است به (این هشت طایفه): فقیران و عاجزان و متصدیان اداره صدقات و کسانی که باید تألیف قلوب آن‌ها کرد (یعنی برای متمایل کردن بیگانگان به دین اسلام) و آزادی‌بندگان و قرض‌داران و در راه خدا (یعنی در راه تبلیغ و رواج دین خدا) و به‌راه‌درماندگان. این مصارف هشت‌گانه فرض و حکم خداست، که خدا دانا و بر تمام مصالح خلق آگاه است.

این آیه درباره موارد مصرف زکات است. چنان‌که آیه قبل از این آیه اشاره می‌کند، منافقان انتقاد می‌کردند که پیامبر اکرم (ص) زکات را به هرکس که دوست دارد می‌دهد. این آیه نازل شد و موارد مصرف زکات را دقیقاً بیان داشت. برطبق این آیه مستحقان زکات هشت گروه هستند.

گروه اول و دوم فقرا و مساکین هستند که برخی این دو گروه را متفاوت و برخی یکی می‌دانند. فقهای شیعی و هم‌چنین فقهای شافعی و حنفی عقیده به تفاوت این دو دارند (حلی بی‌تا: ۲۷۱). البته برخی فقهای شیعه این دو گروه را یک صنف و در نتیجه، مستحقان زکات را هفت گروه می‌دانند (انصاری ۱۴۱۵ ق: ۱۹۸). علامه طباطبایی عقیده دارد که هر دو گروه متصف به امر عدمی‌اند، یعنی نداشتن مالی برای تأمین هزینه‌های زندگی، اما مسکین دچار ذلت و مسکنت هم است، یعنی فقر او به‌حدی است که مجبور می‌شود دست پیش‌دیگران دراز کند و بنابراین وضع او بدتر از فقیر است (طباطبایی بی‌تا: ج ۹، ۴۱۷).

گروه سوم، «و‌العاملین علیها»، کسانی هستند که مسئول جمع‌آوری و تحصیل زکات‌اند. گروه بعدی، «المؤلّفه قلوبهم»، مشرکانی هستند که بزرگان قوم خود بودند و پیامبر گرامی اسلام (ص) سهمی از زکات را به آن‌ها می‌داد تا دل‌های آن‌ها نسبت به اسلام نرم گردد. «و فی الرّقاب» به معنی آن است که بخشی از زکات برای آزادکردن برده‌ها به مصرف می‌رسد.

گروه پنجم، «غارمون»، یعنی کسانی که زیر بار دین هستند و قرض را هم در راه معصیت خدا مصرف نکرده باشند. «و فی سبیل الله» اشاره به مصرف زکات در راه گسترش و تقویت اسلام دارد، مثل جهاد، تبلیغ، و ساختن مسجد. گاهی مواردی مثل برپاداشتن تحصیل علم و ساختن مدرسه برای تحصیل علوم دینی را نیز مصداق «فی سبیل الله» دانسته‌اند (گیلانی ۱۴۱۳ ق: ج ۱، ۱۷۴؛ یزدی طباطبایی ۱۴۱۵ ق: ۹۹). گروه هشتم یعنی «ابن السبیل» کسانی هستند که در غربت یا سفر درمانده‌اند و به‌علتی نیازمندند، هرچند در وطن خود غنی بودند (کاشانی ۱۴۲۹ ق: ۱۷؛ حلی بی تا: ۲۷۶).

۱۲. نویسنده به آیه ۲۷۳ سوره مبارکه «بقره» استناد کرده است:

«للفقراء الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْتَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَ مَا تَتَفَقَّهُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ».

منظور آیه کسانی است که چون خود را برای جنگ و جهاد اختصاص داده‌اند، از کسب و کار بازمانده‌اند، نه این‌که به‌علت بیماری یا ترس از کار درمانده شده باشند. نویسنده به این نکته مهم اشاره نکرده است که این افراد درعین حال به‌علت خویشتن‌داری از درخواست امتناع می‌کنند و بنابراین دیگران آن‌ها را نمی‌شناسند، بلکه از نشانه‌هایی مثل رنگ چهره و ضعف جسمانی شناخته می‌شوند.

برخی گفته‌اند حتی فردی که کاری مثل تحصیل علم را انتخاب کرده است و نمی‌تواند به کسب و کار بپردازد، مشمول این آیه است (طباطبایی بی تا: ج ۲، ۶۱۳).

۸. زکات

۱۳. زکات از مصدر «زکو» و «زکاء» به معنی پاکی و پاکیزگی است (قرشی ۱۴۱۲ ق: ج ۳، ۱۶۸) و وجه تسمیه آن این است که زکات سبب پاکی و تصفیه مال می‌شود (ابن منظور ۱۴۱۴ ق: ۳۵۸). بنابراین، برخلاف سخن نویسنده، «زکی» ریشه زکات نیست، بلکه فعل آن است که هم بر نماء و زیادی و هم بر طهارت دلالت دارد، به‌علت آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا» (ابوالحسین ۱۴۰۴ ق: ۱۷).

۱۴. منظور نویسنده آیه ۱۷۷ سوره مبارکه «بقره» است:

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجْهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْفُونَ بَعْدَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا ...

خطاب آیه به اهل کتاب است که هنگامی که قبله تغییر یافت، هر گروهی ادعا می‌کرد که کار نیک توجه به سوی قبله آنهاست. این آیه بیان می‌دارد که نیکی منحصر به موضوع قبله نیست و یکی از مصادیق نیکی بیرون کردن بخشی از مال است باوجود علاقه‌ای که انسان به مال خود دارد. به عبارت دیگر، آیه اشاره به این مطلب هم دارد که دادن زکات می‌تواند برای انسان کاری دشوار باشد و بنابراین مصداق نیکی کردن است.

۹. نهادینه کردن ارزش‌های قرآنی

۱۵. از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که مسلمان باید هر روز صدقه بدهد. در پاسخ سؤال از چگونگی آن فرمود: «برداشتن مانع از سر راه، راه‌نمایی و هدایت کسی در راه، عیادت مریض، امر به معروف و نهی از منکر، و جواب سلام صدقه است» (اصفهانى ۱۴۱۰ ق: ۱۸۴).

۱۶. آیات ۵۴ تا ۵۹ سوره «توبه» به پذیرفته نشدن انفاق منافقان و تعلیل آن اشاره می‌کند. در این آیات آمده است که انفاق منافقان به علت کفر آنها و نیز خواندن نماز از روی کسالت پذیرفته نمی‌شود. هم‌چنین، در این آیات اعتراض منافقان مطرح شده است. منافقان هرگاه پیامبر اکرم (ص) به علت استحقاق نداشتن یا عللی دیگر چیزی از صدقات به آنها نمی‌داد، اعتراض می‌کردند. اگر پیامبر اکرم (ص) از صدقات به آنها می‌داد، آن را عدل می‌دانستند و اگر چیزی به آنها نمی‌داد، خشمگین می‌شدند (راوندی ۱۴۰۵ ق: ۲۲۳).

در مورد شأن نزول آیه ۵۸ گفته‌اند که هنگامی که پیامبر اکرم (ص) مشغول تقسیم اموال بودند، یکی از طایفه بنی تمیم به نام ذو الخویصره رسید و گفت: «ای رسول خدا عدالت کن». پیامبر فرمود: «وای بر تو! اگر عدالت نکنم، پس چه کسی عدالت خواهد کرد؟» این آیات نازل شد و به این افراد هشدار داد (مکارم شیرازی بی تا: ج ۷، ۴۵۴).

بنابراین، برخلاف سخن نویسنده، این آیات نه درباره اعتراض به دادن زکات، بلکه درباره اکراه منافقان در دادن زکات و نپذیرفتن انفاق آنان، و نیز اعتراض آنها به نحوه تقسیم و توزیع زکات توسط پیامبر اکرم (ص) بوده است.

۱۷. به علت وجود صیغه امر «خذ» در آیه «خذ من أموالهم صدقة» که دلالت بر وجوب دارد، گرفتن صدقه بر امام واجب است. بنابراین، امام علاوه بر صلاحیت نگهداری و مصرف زکات، صلاحیت اخذ آن را نیز دارد. حتی برخی گفته‌اند که بر خود صدقه‌دهنده واجب است که صدقه را به امام برساند، چون لازمه وجوب اخذ بر امام آن است که صدقه به امام رسانده شود (حلی بی تا: ۲۶۴).

۱۸. بحث تفاوت‌های صدقه و زکات و نیز مصارف صدقه که در این بخش آمده است، بهتر بود در بحث مفهوم‌شناسی در ابتدای مقاله آورده می‌شد.
۱۹. این مطلب در بخش قبلی مقاله، در ذیل عنوان «نهادینه‌کردن ارزش‌های قرآنی» در پاراگراف آخر آمده است و نویسنده آن را تکرار کرده است.
۲۰. وجوب امام مشروط به اخذ امام نیست، چون زکات و خمس حقوق مالی است و وظیفه هر مؤمن ادای آن است. بنابراین، امر به رسول اکرم (ص) نه به علت شخص ایشان، بلکه برای حکومت اسلامی است و حکومت هم پس از ایشان به ائمه معصومین (علیهم السلام) می‌رسد و در زمان غیبت فقهای شیعه عهده‌دار این امرند. نظر قوی آن است که «عاملین»، یعنی افراد عهده‌دار جمع‌آوری زکات، در زمان غیبت هم هستند و احوط آن است که در زمان غیبت زکات را به فقیه بدهند (خمینی بی‌تا: ج ۲، ۵۱-۶۳).

۱۰. نتیجه‌گیری

هرچند نویسنده کوشش کرده است که ابعاد گوناگونی از حکم شرعی زکات را به‌منزله یکی از قوانین مسلم شرعی مورد توجه قرار دهد و در مقاله‌ای کوتاه مسائل دامن‌دار این قانون دینی را فراهم آورد، اما تلاش او به‌لحاظ شکلی و محتوایی ایرادها و اشکال‌هایی اساسی دارد و از جهات مختلف محل نقد و نظر است و این‌همه ناشی از شتاب‌زدگی در تدوین مقاله و نبود تمخّص بر بعضی مسائل از یک‌سو، و بی‌اطلاعی نویسنده از منابع دست‌اول درباره زکات از سوی دیگر است. از این‌رو، با وجود استنتاج‌های نویسنده باید گفته شود که اول، زکات همان‌گونه که در مواردی حکمی استجابی و اختیاری است در موارد بسیاری از واجبات مسلم اسلامی میان فرقه‌ها به‌شمار می‌آید؛ دوم، براساس آیات قرآنی و نصوص دینی برای تحقق زکات به همان میزان که فعل مادی و جوارحی انسان کارساز است به همان مقدار یا بیش‌تر نیت و قصد قربت نیز موضوعیت دارد؛ سوم، زکات حکمی مختص یک مقطع تاریخی نیست و همان‌گونه که در آغازین سنه‌های جامعه اسلامی مورد تأکید بود در اعصار بعدی و اکنون واجبی مؤکد است؛ چهارم، پرداخت زکات اعم از استجابی و واجب، نیازمند رعایت شرایطی است که لازم است براساس مقاصد شریعت اسلامی و با تأکید بر نصوص قرآنی و حدیثی بازتعریف شود.

کتابنامه

- ابن فارس، ابوالحسین احمد بن فارس (۱۴۰۴ ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: بی‌نا.
- ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع؛ دار صادر.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ ق)، روض الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- اصفهانى، محمدباقر (۱۴۱۰ ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، بیروت: مؤسسة الطبع و النشر.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ ق)، صراط النجاة (محشی)، قم: کنگره بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- جرجانی، سیدامیر ابوالفتح حسینی (۱۴۰۴ ق)، تفسیر شاهى، تهران: بی‌نا.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ ق)، تاج اللغة و صحاح العربية، بیروت: دارالعلم للملایین.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل‌البت.
- حلی، مقداد بن عبدالله سیوری (بی‌تا)، کنز العرفان فی فقه القرآن، ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم: بی‌نا.
- خمینی، سیدروح‌الله موسوی (۱۴۲۵ ق)، تحریر الوسیله، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- خمینی، سیدروح‌الله موسوی (بی‌تا)، تحریر الوسیله، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- راغب اصفهانى، حسین بن محمد (۱۴۱۰ ق)، المفردات فی غریب القرآن، سوریه: الدار الشامیه.
- راوندی، قطب‌الدین (۱۴۰۵ ق)، فقه القرآن، قم: مکتبه آیه الله العظمی النجفی المرعشی.
- زبیدی، سیدمحمد مرتضی حسینی (۱۴۱۴ ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر.
- شهابی خراسانی، محمود (۱۴۱۷ ق)، ادوار فقه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- شهید ثانی (۱۴۱۰ ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، بی‌جا: منشورات جامعه النجف الدینیة.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین (بی‌تا)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم المشرفه.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عاملی، ابراهیم (بی‌تا)، تفسیر عاملی، تهران: کتابخانه صدوق.
- عاملی، علی بن حسین (۱۴۱۳ ق)، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، قم: دارالقرآن الکریم.
- قرشی، سیدعلی اکبر (۱۴۱۲ ق)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- قمی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸ ق)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.

۱۶۶ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال بیستم، شماره یازدهم، بهمن ۱۳۹۹

کاشانی، محمد محسن فیض (۱۴۲۹ ق)، رسائل فیض کاشانی، تهران: بی‌نا.
کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامية.
گیلانی، ابوالقاسم میرزای قمی (۱۴۱۳ ق)، جامع الشتات فی أجوبة السؤالات، تهران: کیهان.
محقق داماد، سیدمصطفی (۱۴۰۶ ق)، قواعد فقهی، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
محمودی، محمدرضا (۱۴۲۹ ق)، مناسک حج (محشی)، تهران: بی‌نا.
مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دارالکتب العلمیة.
مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی‌تا)، زبده البیان، تهران: المكتبة الجعفریة.
مکارم شیرازی، ناصر (بی‌تا)، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل (تفسیر نمونه)، بی‌جا: بی‌نا.
یزدی طباطبایی، سیدمحمد کاظم (۱۴۱۵ ق)، سؤال و جواب (للسید یزدی)، تهران: مرکز النشر العلوم الإسلامی.

Jane Dammen McAuliffe (2001- 2006), *Encyclopedia of the Quran*, Leiden: Brill.